



فیش منبر

حضرت ابوالفضل علیه السلام

حضرت عباس علیه السلام الگوی برای همه

↓ کانال فیش منبر و مرثیه درایتا

<http://www.eitaa.com/fishemenbar>

<http://www.talabeyar.ir> = سایت طلبه یار

جمال حق ز سر تا پاست عباس

به یکتایی قسم، یکتاست عباس

خدا داند که از روز ولادت

امام خویش را می خواست عباس

علم در دست، مشک آب بردوش

که هم سر دار و هم سقااست عباس

نه در دنیا بود باب الحوائج

شفیع خلق در عقباست عباس

هنوز از تشنه کامان شرمگین است

بین در علقمه تنهاست عباس

اگرچه زاده ام البنین است

ولیکن مادرش زهراست عباس

حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در روز چهارم شعبان سال ۲۶ هـ . ق^(۱) در مدینه منوره دیده به جهان گشود .

پدر بزرگوارش علی بن ابی طالب قنداقه او را در بغل گرفت و پس از خواندن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، نام او را عباس گذارد .

مادر بافضیلتش فاطمه معروف به «ام البنین» دختر حزام بن خالد کلابی بود^(۲) .

واژه «عباس» از نظر لغوی به معنای «بسیار ترش رو» است . و یا به معنای شیری که شیران دیگر از او فرار



کنند^(۳). انتخاب این نام نشان دهنده توان، قدرت، شجاعت و صلابت آن بزرگوار است. لذا مورخان نوشته اند «سماه امیرالمومنین علیه السلام بالعباس لعلمه بشجاعته و سطوته و صولته و عبوسته فی قتال الاعداء و فی مقابله الخصماء؛ علی علیه السلام او را به این خاطر عباس نامید که به شجاعت، قدرت، صلابت و شهامت او در جنگ با دشمنان و در رویارویی با جنگجویان آگاهی داشت^(۴)».

گاهی هم حضرت امیر علیه السلام قنداقه عباس را می گرفت، آستین او را بالا می زد و بازوانش را می بوسید و گریه می کرد و می فرمود: «دستهای او در راه یاری برادرش حسین قطع می شود^(۵)».



حضرت عباس القاب مختلفی دارد که هر یک بیانگر بخشی از مقام، عظمت و سجایای اخلاقی اوست .

«مقانی» شانزده لقب برای او برشمرده است؛ مانند :

۱- ابوالفضل؛ یعنی پدر فضایل (و یا او پسری به نام فضل داشت) ؛

۲- ابوالقربه؛ که سقا و آبرسان بود ؛

۳- قمر بنی هاشم؛ چون دارای چهره ای زیبا بود .
صاحب مقاتل الطالبین می نویسد :

«عباس، زیبا و نیک منظر بود، وقتی بر اسبی درشت هیکل سوار می شد، پاهایش به زمین کشیده می شد و به او قمر بنی هاشم می گفتند (۶)»!

استاد مرتضی مطهری می گوید :

«عباس اندامی بسیار بلند و قامتی رشید و زیبا داشته
که امام حسین علیه السلام از نگاه کردن به او لذت می
برد» (۷).

۴- عبد صالح (بنده شایسته) ;)

۵- المواسی (ایثارگر) ;)

۶- الفادی (فداکار) ;)

۷- الحامی (حمایت کننده) ;)

۸- الواقی (نگهبان و محافظ) ;)

۹- الساعی (تلاشگر) ;)

۱۰- باب الحوائج (وسیله برآمدن حاجات) ;)

۱۱- حامل اللواء (پرچمدار) ;)



عباس با لبابه دختر عبید الله بن عباس (پسر عموی پدرش امام علی علیه السلام) ازدواج کرد و از او دو فرزند به نام عبیدالله و فضل^(۸) داشت .

و اکنون در این نوشتار به بهانه تولد آن حضرت در چهارم شعبان که «روز جانباز» نیز نامیده شده است، بر آنیم تا گوشه هایی از فضایل و اوصاف آن حضرت را که می تواند الگو و اسوه ما باشد تقدیم شما عزیزان کنیم :

الف) طاعت و بندگی

آنچه بیشتر از چهره حضرت عباس در ذهنها به تصویر کشیده شده و زبانها گویای آن است شجاعت اوست و حال آنکه قبل از همه چیز آن حضرت یک بنده سراپا



تسلیم الهی است، و تمام عظمتها و ارزشهای او زیر سایه همین بندگی و اطاعت محض الهی قرار دارد که به نمونه هایی اشاره می کنیم :

۱- بنده صالح خدا: امام صادق علیه السلام این لقب گران سنگ را به او داد؛ چنان که در زیارتنامه آن حضرت می خوانیم :

«السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله ... ; سلام بر تو ای بنده صالح و فرمان بر خدا^(۹) .»

۲- آثار سجده بر پیشانی: قرآن یکی از نشانه های بندگان مخلص خدا را آثار سجده در پیشانی آنها می داند :

«سیماهم فی وجوههم من اثر السجود»^(۱۰)؛ «نشانه های آنها در صورتهایشان بر اثر سجده های زیاد [در پیشگاه الهی نمایان] است.»

و حضرت عباس این گونه بود؛ در تاریخ می خوانیم :
«وین عینیه اثر السجود؛ [در پیشانی] و بین چشمان او اثر سجده [نمایان] بود^(۱۱).»

نقل شده که روی قاتل عباس که از طایفه «بنی دارم» بود، سیاه شده بود. علت را از او پرسیدند. گفت: «من مردی را که در وسط پیشانی او اثر سجده بود کشتم که نامش عباس بود^(۱۲).»

و جعفر نقدی درباره او چنین می گوید: «وهو من عظماء اهل البيت علما وورعا ونسکا وعباده؛ او از



بزرگان اهل بیت است از نظر دانش و پارسایی و
نیایش و عبادت (۱۳) .»



این ویژگی عباس برای تمامی شیعیان درس بزرگی
است تا بندگی خدا را در راس همه کارهای خود قرار
دهند و راز و نیاز و عبادت‌های شبانه و سجده‌های
طولانی برای خدا را در زندگی خویش هرگز فراموش
نکنند .

بسوزان دلی را که سوزی ندارد
سحر کن شبی را که روزی ندارد
الهی به آن سر که شور تو دارد
به آن دل که در سینه، نور تو دارد
به شوق شهیدان در خون تپیده

به اشک یتیمان محنت کشیده

به نام عزیزی که نام از تو دارد

به ملک ولایت، مقام از تو دارد

چنان کن که شرمنده، فردا نباشم

سرافکنده در پیش زهرا نباشم

ب) ولایت مداری و امام شناسی :

از ویژگیهای مهم حضرت عباس امام شناسی و اطاعت مطلق از امامان خویش بود .

پس از شهادت پدر بزرگوارش امام علی علیه السلام ودایع امامت و مقام ولایت تامه به امام حسن مجتبی علیه السلام سپرده شد . عباس با جان و دل، فرمان بردار و مطیع بی چون و چرای برادر و امام خود بود .

وقتی امام حسن علیه السلام مجبور شد با معاویه صلح کند و مورد طعن و شماتت «یا مذل المؤمنین» ای خوارکننده مؤمنان» قرار گیرد، حضرت عباس پیش از پیش همراه و در رکاب امام خویش بود، و با شمشیر برهنه مانند یک سرباز جانباز از برادر و امام خویش محافظت می کرد. در مراسم تشییع آن حضرت که جنازه را تیرباران کردند، بر حضرت عباس خیلی گران آمد و اگر دستور امام و برادرش حضرت حسین علیه السلام نبود، از یکایک آنان انتقام می گرفت.

بعد از شهادت امام حسن علیه السلام همواره در خدمت امامش، حضرت حسین بن علی علیهما السلام بود.

در مورد ولایت مداری و امام شناسی حضرت عباس به نمونه هایی اشاره می شود:

۱- در زیارتنامه آن حضرت که از سخنان امام صادق علیه السلام است چنین می خوانیم :

«المطیع لله ولرسوله ولامیر المؤمنین والحسن

والحسین صلی الله علیهم؛ [سلام بر تو ای بنده صالح و مطیع خدا و رسولش و پیرو امیر مؤمنان و حسن و حسین که درود خدا بر آنان باد (۱۴)».

۲- هنگام خروج از مدینه امام حسین علیه السلام ندا داد: «این اخی - این قمر بنی هاشم فاجابه العباس لیبیک لیبیک یا سیدی فقال له الامام علیه السلام: قدم لی یا اخی جوادی فاتی العباس بالجواد الیه؛ کجاست برادرم ... کجاست ماه بنی هاشم؟ پس عباس جواب داد: بله بله ای آقای من! آنگاه امام حسین علیه السلام فرمود: ای برادر، اسبم را حاضر کن، پس عباس اسب حضرت را حاضر نمود (۱۵)».



۳- در عصر تاسوعا شمر با چهار هزار نفر وارد کربلا شد . یکی از نقشه های او برای کاستن از یاران امام حسین علیه السلام امان دادن به عباس و برادران او بود . وقتی جناب عباس شنید که شمر امان نامه آورده اصلا به او اعتنا نکرد و جواب او را نداد، تا اینکه امامش به او فرمان داد که جواب شمر را بگویند، عباس فرمود: «چه می گویی؟» عرض کرد: «شما و برادرانت در امانید .» عباس غیرتمند سراسر وجودش آتش گرفت و فریاد او بلند شد :

«تبت یداک و لعن ما جئت به من امانک یا عدو الله
 اتمرنا ان نترک اخانا وسیدنا الحسین بن فاطمه وندخل
 فی طاعة اللعناء واولاد اللعناء اتومننا وابن رسول الله لا
 امان له؛ دستهایت بریده باد و لعنت [خدا] بر آنچه که
 از امان نامه آورده ای . ای دشمن خدا! آیا دستور می



مناسبتی

دهی که ما برادرمان و آقایمان حسین علیه السلام پسر فاطمه علیها السلام را رها کنیم و داخل اطاعت لعنت شدگان و فرزندان لعنت شدگان شویم؟ [عجبا] آیا به ما امان می دهی در حالی که فرزند رسول خدا [حسین بن علی] در امان نیست (۱۶)».

این جملات حاکی از معرفت و عشق عمیق حضرت عباس به امام خویش حسین بن علی علیه السلام است. به این جهت است که مورخان نوشته اند؛ عباس در کربلا به خاطر تعصبات قبیله ای و خانوادگی با دشمن نمی جنگید :

«...بل کان يعرف ان دین الله قائم بالحسین وهو عمود الدین، مجاهد عن دین الله وعن شریعۃ المصطفی و حامی عن ابن رسول الله وعن بنات الزهراء كما قال انی احامی ابدًا عن دینی وعن امام صادق الیقین نجل



مناسبتی

النبي الطاهر الامين؛ بلکه همواره می شناخت که دین خدا به حسین علیه السلام پاینده است و او ستون دین است و برای دین خدا و شریعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد [و مبارزه] می کند و [بدین جهت، حضرت عباس با جان و دل] از فرزند رسول خدا و از دختران زهرا حمایت و پشتیبانی کرد؛ چنان که خود فرمود:

«به خدا اگر دست راستم را قطع کردید بر راستی [همچنان] از دینم حمایت می کنم و از امامی که یقین راستین دارد [دفاع می کنم؛ آن امامی که] پسر دختر پیامبر پاک و امین می باشد (۱۷)».

از این جا به ویژگی سومی در وجود حضرت عباس پی می بریم و آن شناخت و معرفت آن جناب است.



ج) بصیرت ژرف :

بیشتر منحرفان از امامت و ولایت، ظاهر بین و ساده اندیشند . قرآن کریم درباره دنیاپرستان می فرماید: «یعلمون ظاهرا من الحیاء الدنیا وهم عن الآخره هم غافلون» ؛ «آنان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می دانند و از آخرت غافلند^(۱۸)». ولایت مداران باید ژرف اندیش و ژرف نگر باشند .

از امتیازات ویژه حضرت عباس، بصیرت نافذ و ژرف اندیشی خاصی بود که تمام خطوط جامعه و رگه های کفر و نفاق را به خوبی می شناخت، و ولایت مداران را نیز دقیقا شناسایی کرده بود . امام صادق علیه السلام درباره عمویش عباس می فرماید :



«کان عمنا العباس نافذ البصیره؛ عموی ما عباس دارای بصیرت ژرف بود (۱۹)».

مناسبتی

در مقابل، یکی از کاستیهای عمر سعد که به دام یزید و ابن زیاد افتاد، نداشتن تیزبینی و بصیرت بود. ابن زیاد با بهره برداری از این کمبود فکری، فردی فرومایه و هزار چهره یعنی «شبت ربعی» را با او همراه ساخت تا او را توجیه کند. شبت کوشید به عمر سعد القا کند که حسین، کافر حربی است که قتلش واجب می شود و به همین جهت، قتل او در ماه حرام اشکالی ندارد (۲۰).

ولایت مداری و ژرف اندیشی، از نیازهای شدید زمان ما برای تمام طبقات است؛ چرا که بصیرت ژرف و عمیق اندیشی باعث می شود خطوط فکری و سیاسی را بخوبی بشناسند و در موضع گیریها دقیقا بر خط صحیح و مستقیم امامت و ولایت سیر نمایند.

(د) شجاعت :

از صفات بارز و برجسته حضرت عباس که همگان حتی غیرمسلمانان با آن آشنایی دارند، شجاعت و دلیری ایشان است . از آغاز امیرالمؤمنین علیه السلام برای این موضوع سرمایه گذاری نموده بود، آنجا که به برادرش عقیل - که اطلاعات وسیعی از نسب قبایل عرب و تاریخ گذشته آن روز داشت - سفارش فرمود که از اقوام اصیل و شجاع عرب، همسری برای من انتخاب کن که زاده شجاعان و وارث دلاوری و شهامت باشد؛ زیرا می خواهم از این ازدواج، فرزند شجاع و دلیری به دنیا بیاید . عقیل پس از بررسی و جستجو «ام البنین کلایه» را پیشنهاد کرد، که حضرت با او ازدواج کند؛ چرا که در جامعه [آن روز] شجاع تر و دلیرتر از اجداد و پدران او نبود (۲۱) .



از «حضرت ام البنین» چهار پسر رشید و قهرمان به نام عباس، عبدالله، عثمان و جعفر به دنیا آمدند، که بزرگترین و شجاعترین آنها حضرت عباس بود.

استاد شهید مطهری می گوید :

«آرزوی علی علیه السلام در ازدواج با ام البنین در وجود مقدس حضرت ابوالفضل علیه السلام تحقق یافت (۲۲)».

به نمونه هایی که شجاعت آن حضرت را می رساند اشاره می کنیم :

۱- درباره ویژگیهای حضرت عباس در تاریخ می خوانیم :

«کالجبل العظیم وقلبه کالطود الجسیم لانه کان فارسا هماما وبطلا ضرغاما وکان جسورا علی الطعن والضرب فی میدان الکفار والحرب؛ [عباس] مانند کوهی بزرگ، و قلبش بسان کوهی خشن [و استوار] بود؛ چرا که او جنگ آوری بلند همت و سلحشوری شیرگون بود و در [وارد کردن] نیزه و ضربات [بر دشمن] در میدان نبرد با کفار جسور [و بی باک] بود.»

۲- در معالی السبطین چنین بیان شده است: «ولا یقاس بشجاعته الا شجاعه ایبه واخیه؛ شجاعت عباس با شجاعت پدرش [علی علیه السلام] و برادرش [امام حسین علیه السلام] مقایسه می شود» (۲۳).

و در ادامه می گوید: «در شجاعت عباس همین بس که وقتی دشمنان صدای او را می شنیدند رگهای بدنشان می لرزید و از ترس صولت و قدرت او، قلبهایشان از



وحشت می تپید و پوست بدنشان جمع می شد . با توجه به این شجاعت و شهامت بود که ابن زیاد برای او امان نامه فرستاد و به خیال خام خود می خواست که او را از حسین علیه السلام بگیرد (۲۴) .»

همین شجاعت و قدرت او بود که پشتوانه محکمی برای امام حسین علیه السلام بود؛ هرچند تکیه امام حسین علیه السلام بر خداوند بود، اما وجود حضرت عباس که یک بنده خالص شجاع و توانمند خداوند بود در واقع یاری خدا از طریق اسباب طبیعی بود؛ لذا شهادت حضرت عباس سخت بر امام حسین علیه السلام اثر گذاشت و صریحا آنگاه که کنار بدن برادر آمد فرمود :

«الآن انکسر ظهري وقلت حيلتي؛ اکنون کمرم شکست و راه چاره ام کم شد (۲۵) .»



این سخنان از زبان معصومی صادر می شود که تعارف و زیادگویی و خلاف واقع در کلام و مرامشان راه ندارد . و وقتی که عباس اجازه میدان خواست امام حسین علیه السلام فرمود :

«اذا مضیت تفرق عسکری؛ هر گاه [از دستم] بروی سپاهم از هم می باشد.»

تاریخ نویسان نوشته اند :

«لم یبق الحسین بعد ابی الفضل الا هیکلا شاخصا معری عن لوازم الحیاء؛ از امام حسین بعد از [مرگ] ابی الفضل جز هیکلی [و مثنی استخوان] خالی از لوازم حیات و زندگی باقی نماند (۲۶)».

دشمنان هم سخت از مرگ عباس شاد شدند و جرات و جسارت پیدا کردند، و بر اصحاب و خیمه های امام

حسین علیه السلام حمله ور شدند . در تاریخ می
خوانیم :



«لما قتل العباس تدافعت الرجال علی اصحاب الحسین
(۲۷) هنگامی که عباس کشته شد، مردان [دشمن از هر
سو] بر اصحاب امام حسین حمله ور شدند .»

تا تو بودی خیمه ها آرام بود

دشمنم در کربلا ناکام بود

تا تو بودی من پناهی داشتم

با وجود تو سپاهی داشتم

تا تو بودی خیمه ها غارت نشد

بعد تو کس حافظ یارت نشد

تا تو بودی چهره نیلی نبود

دستها آماده سیلی نبود

تا تو بودی دست زینب باز بود

بودنت بهر حرم اعجاز بود

تا که مشکت پاره و بی آب شد

دشمن پر کینه ات شاداب شد

ه) وفا و فداکاری عباس:

یادم ز وفای اشجع الناس آید

وز چشم ترم سوده الماس آید

آید به جهان اگر حسین دگری

هیئات برادری چو عباس آید

وفا از بارزترین صفات مردان تاریخ و نشانه قوت دین و قدرت امانت داری است. وفا دژ مستحکمی است که انسان را تا پایان خط در مسیر راه ننگه می دارد (۲۸)».

ه: وفاداری

در وفا و فداکاری نیز حضرت عباس سرآمد روزگار و الگوی پاکان وفادار، و فداکاران ایثارگر است. در این بخش پایانی، به نمونه هایی از **وفا و فداکاری** حضرت عباس اشاره می کنیم:

۱-رد امان نامه:

رد امان نامه ابن زیاد و شمر - که قبلا به آن اشاره شد - نشانه وفای عباس است.

۲- اعلان وفاداری در شب عاشورا :

در شب عاشورا امام حسین علیه السلام در خطبه معروف خود فرمود: «من به همه شما رخصت رفتن دادم؛ پس همه آزادید بروید و بیعتی که از جانب من به گردن شما بود برداشتم و این شب که شما را فرا گرفته فرصتی است، آن را شتر رهوار خود کنید و به هر سو که می خواهید بروید.» آنگاه چراغ را خاموش کرد و فرصت خوبی برای رفتن بود.

اولین کسی که وفای کامل خود را ابراز داشت، حضرت عباس وفادار بود: «فبدا القول العباس بن علی علیه السلام فقال له: لم نفعل ذلک؟ النبقی بعدک؟ لا ارانا الله ذلک ابدأ؛ آنگاه عباس، فرزند علی آغاز به سخن نمود، پس به امام حسین علیه السلام عرض کرد: برای چه این کار را انجام دهیم؟ آیا برای آنکه بعد از شما باقی



باشیم؟ نه، خدا این را [یعنی جدایی از شما را] هرگز به ما نشان ندهد (۲۹)».

شاهها من ار به عرش رسانم سریر فضل

مملوک این جنابم و محتاج این درم

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر

این مهر بر که افکنم و این دل کجا برم

۳- اوج وفا در شط فرات :

حضرت عباس علیه السلام بعد از شهادت علی اکبر می

خواست به میدان برود، اما برادر به او اجازه میدان

رفتن نداد، بعد از اصرار زیاد فرمود: مقداری آب برای

کودکان بیاور .



پیشانی حسینش را بوسید و به سوی فرات حرکت کرد، مشک را پر از آب کرد، خود نیز تشنه بود، می خواست آب بنوشد: «فذكر عطش الحسين ومن معه فرقی الماء^(۳۰); سپس به یاد تشنگی حسین و همراهان [و کودکان] افتاد، پس آب را [روی آب] ریخت.» و بر خود خطاب کرد:

يا نفس من بعد الحسين هونی

وبعدہ لا كنت ان تکونی

هذا الحسين وارد المنون

و تشریین بارد المعین

تالله ما هذا فعال دینی^(۳۱)



«ای نفس! بعد از حسین خواری و ذلت بر تو باد و بعد از او [حسین علیه السلام] تو نباید باشی تا زنده بمانی، حسین در آستانه مرگ قرار گرفته و تو آب خنک و گوارا می نوشی؟ به خدا قسم این کار دین [و آیین] من نیست.»

آنگاه فریاد بر آورد: «والله لا اذوق الماء وسیدی الحسین عطشاناً^(۳۲)؛ به خدا قسم آب نمی نوشم در حالی که آقای من حسین تشنه است.»

عباس بی وفا تو نبودی کنون چه شد

نوشی تو آب مانده حسینت در انتظار

اعتراف دشمن به وفای عباس

هنگامی که وسایل غارت شده کربلا را به شام نزد یزید بردند، در میان آنها پرچم بزرگی بود. یزید و حاضران در مجلس دیدند همه پرچم سوراخ و صدمه دیده، ولی دستگیره آن سالم است. یزید پرسید: «این پرچم را چه کسی حمل می کرد؟» گفته شد: «عباس بن علی». یزید از روی تعجب و تجلیل از آن پرچم سه بار برخاست و نشست و گفت:

«انظروا الی هذا العلم فانه لم یسلم من الطعن والضراب الا مقبض الید الی تحملہ؛ به این پرچم بنگرید، [که بر اثر صدمات] نیزه و زدن [شمشیر] جایی از آن سالم نمانده جز دستگیره آن که [پرچمدار] آن را با دست حمل می کرده است.»

سالم ماندن دستگیره پرچم، نشان از آن دارد که پرچمدار تمام ضربات نیزه و شمشیر را که بر دستش



وارد می شده تحمل می کرده ولی پرچم را رها نساخته است .

مناسبتی

آنگاه یزید گفت: «ایبت اللعن یا عباس، هکذا یکون وفاء الاخ لاختیه؛ لعن [و ناسزا] را از خودت دور ساختی ای عباس! [و ناسزا زینده تو نیست]. این چنین است [رسم و معنای] وفاداری برادر نسبت به برادرش (۳۳)» .

آری، وفای حضرت عباس آن قدر فراوان و در حد اعلاست که پلیدترین دشمنان او هم نمی توانند آن را انکار کنند .

پنج امامی که ترا دیده اند

دست علم گیر تو بوسیده اند

چشم خداوند چو دست تو دید

بوسه زد و اشک ز چشمش چکید

وفا و فداکاری عباس در سخنان معصومین علیهم السلام

۱- امام سجاد علیه السلام فرمود: «رحم الله عمی العباس فلقد آثر و ابلی وفدی اخاه بنفسه حتی قطعت یداه؛ خداوند رحمت کند عمویم عباس را که حقیقتاً ایثار و جانبازی نمود و جانش را فدای برادر نمود تا آنجا که دستهایش قطع شد (۳۴)».

۲- امام صادق علیه السلام فرمود :

«اشهد لقد نصحت لله ولرسوله ولاخیک فنعم الاخ المواسی؛ شهادت می دهم که تو برای خدا و رسولش و برادرت خیر خواهی نمودی، پس تو چه نیکو برادر فداکار بودی (۳۵)».

۳- امام زمان علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به عمویش عباس می فرماید: «السلام علی ابی الفضل العباس المواسی اخاه بنفسه؛ سلام بر ابوالفضل العباس که با جان خویش با برادر همدردی [و برای او فداکاری] نمود.»

پی نوشت :

(۱) برخی سال تولد او را سال ۲۴ هـ . ق دانسته اند، ر . ک: حسین اسدی، اسوه های عاشورا .

(۲) منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۳۶ .

(۳) معارف و معاریف، ج ۷، ص ۲۰۶ .

(۴) جعفر نقدی، زینب کبری، ص ۱۲ .

(۵) معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۶ .

(۶) تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸ .

(۷) علامه مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۱۸ .

(۸ منتهی الامال، ج ۱، ص ۱۳۷ - ۱۳۸. برخی نوشته اند که او دو فرزند دیگر به نام محمد و قاسم داشت که در کربلا به شهادت رسیدند. ر. ک: الوقایع و الحوادث، ملبوبی، ج ۳، ص ۳۰.

(۹ مفاتیح الجنان، زیارتنامه حضرت عباس، ص ۷۱۵.

(۱۰ افتح/۲۸.

(۱۱ اذریعه، ص ۱۲۲.

(۱۲ الوقایع والحوادث، ج ۲، ص ۳۰؛ سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله، ص ۲۹۳.

(۱۳ ازینب کبری علیها السلام، ص ۱۲.

(۱۴ مفاتیح الجنان، ص ۷۱۵.

(۱۵ موسوعه کلمات الحسین علیه السلام، ص ۲۹۸.

(۱۶ وقایع الایام، ویژه محرم، ص ۲۶۴.

(۱۷ معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۷۰؛ نفس المهموم، شیخ عباس قمی، ص ۱۷۷.

(۱۸ اروم/۷.

۱۹) نفس المهموم، ص ۱۷۶؛ ر. ک: اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۳۰.

۲۰) جام عبرت، سید حسین اسحاقی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲۱) منتهی الامال، ص ۱۳۶؛ ر. ک: تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸.

۲۲) حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۹.

۲۳) معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲۴) همان.

۲۵) مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۳۰.

۲۶) مقتل مقرر، ص ۲۶۹.

۲۷) ذریعه، ص ۱۲۴.

۲۸) عناوین برگرفته از روایات است. ر. ک: منتخب میزان الحکمه، محمدی

ری شهری، ص ۵۴۲.

۲۹) همان، ص ۴۰۰.

۳۰) کبریت الاحمر، ص ۱۵۹؛ منتخب التواریخ، ص ۲۵۸.

۳۱) ر. ک: ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۳۴۵.



مناسبتی

(۳۲) بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۱؛ ترجمه مقتل ابی مخنف، ص ۹۷.

(۳۳) دین و تمدن، ج ۱، ص ۲۸۸ و ر. ک: سوگنامه آل محمد صلی الله علیه و آله، ص ۳۰۰.

(۳۴) بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸.

(۳۵) مفاتیح الجنان، زیارتنامه حضرت عباس علیه السلام.

http://uupload.ir/view/fnq_حضرت_عباس_الگوی_برای_همه.pdf/